

مردم به خیابانها بیایند و بگویند که ما صلح میخواهیم...
اردشیر زاهدی: تمام شد! صلح و صفا جزو لغات زیبای ایرانی است. وقتی کسی میخواهد برود مسافرت میگوید برو، صلح داشته باش و صفا، سفر بی خطر. این چیزی است که بشر به آن علاقه دارد. اصلش



گفتگوی فرید اصبا با اردشیر زاهدی

صلح و صفای یک مملکت چندین هزار ساله است. مسلماً باید صلح و صفا باشد. نمیتواند غیر از این باشد. جایی صحبت این شد که قدیم ها که همه جا دکان و مغازه وجود نداشت. میرفتیم و از همسایه مان یک مرغ میگرفتیم که میهمان داریم. فردا یک خربزه هم باهاش پس میدادیم. همسایه محترم است. من از پدرم یاد گرفتم که باید با همه همسایه ها دوستانه و برادرانه رفتار کنیم. پادشاه ما هم صلح طلب بود. همه برادر بودند. هیچ کدام از رؤسای کشورهایی که عکسشان در این جا [ادراتاق من] هست به ما بی احترامی نکردند. با اغلب این ها ما مثل برادر بودیم. خیلی از رئیس جمهور ها من را اردشیر صدا میکردند. نه Excellency نه صدای Ambassador نه چیز [دیگر]. مسلماً وقتی دو طرف به هم اعتقاد داشتند، این نزدیکی پیش می آید. بشر طرفدار صلح و صفا است. یک عده ای خائن هستند و یک عده ای بیمار هستند که مخالف صلح هستند

فریدا صبا: متأسفانه همسایه ها هم اکنون رابطه خوبی با کشور ما ندارند.

اردشیر زاهدی: همه آنها نیستند. مردمشان با دولت ها فرق می کنند. دولتهایی هستند که تحت نفوذ آمریکا و انگلیس هستند و خودشان را گم میکنند. ولی مردمشان برادرانه برخورد میکنند. پادشاه عراق مردی فهمیده و لیدر عراق بود. هر کدام از اینها برای خودشان کسی بودند. اون مردم را هم که نمی توانند دائم بریزن در زندان. دیگر چقدر را میتوانند مردم

برای منافع خودشان هم که شده باید راه حلی پیدا کنند. آمریکا و ایران ۱۴۵ سال دوستی شرافتمندانه داشتند. حیف است این از بین برود. مردم ایران در آمریکا احترام دارند. این ها آتش هایی است که از دور درست میکنند. اگر همه چیز شرافتمندانه باشه، نه ایرانی می خواهد بیاید برای چیزی انتقام بگیرد، نه آمریکایی ها. مردم طرف صلح و برادری هستند. دنیا باید طرف صلح و برادری باشد. ولی زور گفتن یک طرفه به ایران همان قضیه مال من مال من، و مال تو هم مال من است. این ها هم امروز به اینجا رسیدند که با زور نمی توانند ایران را متقاعد کنند. ایرانی را نشناختند. ایرانی لوطی است. با محبت و خنده و ماچ و غیره هر چی بخواهی در زندگیش میتونی بگیر. ولی تهدیدش کنی، ممکن است با مشت بزند و دهانت را خورد بکند. ایرانی همیشه از شرافت خودش دفاع کرده. این تاریخ ما است و این شرافت را باید حفظ کرد. همان طور که گفتیم دست درازی خیانت است. باید هر دو طرف با هم به صورت شرافتمندانه صلح بکنند و مسالمت آمیز باشد. نه اینکه یکی بگوید من درست میگویم و تو غلط. اون هم من متعقدم ما داریم بهش میرسیم ولی شاید هم من زیادی خوش بین هستم

فریدا صبا: بله سوال بعدی من هم در همین زمینه بود. بسیاری از صاحب نظر ها و دیپلمات ها، مثل خود شما، که سالها در دیپلماسی جهان تجربه دارید صلح و حرکت های صلح جویانه را چاره کار می دانند، یعنی

ایران و امریکاتکلیف مردم ایران چیست؟ آیا باید پشت سر آقای نتانیاهو، بن سلمان یا ترامپ بایستند؟ و یا اینکه پشت سر جمهوری اسلامی؟ مردم چه باید بکنند؟
اردشیر زاهدی: عرض شود هزار در هزار با این سه اسمی که بردید مخالفم. اگر کسی هم این کار را بکند بدون تردید یا این انسان بیمار است یا به قول معروف مغزش شستشو شده. اونها دوست ایران نیستند و دشمن ایران هستند به همین دلیل هم من به اونها احترام نمیگذارم. من عقل کل نیستم ولی معتقدم همیشه با داشتن مذاکرات شرافتمندانه و احترام متقابل اگر بود، هیچ مشکلی نیست که حل نشود. باید حسن نیت باشد. یک بار به وزیر خارجه شوروی گفتم، سر قضیه چک اسلواکی و آدم با شخصیتی بود که دوستش داشتم و احترامش را هم داشتم چون وزیر خارجه فهمیده ای بود. بهش گفتم [شما میخواهی بگویی] اونچه که مال منه مال منه اون چیزی هم که مال شماست مال منه.

معتقدم که اینگونه دیپلماسی و سیاست بدون تردید هم چیز است که به هیچ کجا نمیرسه. معتقد هستم یواش یواش خود آقای رئیس جمهور [آمریکا] داره متوجه میشه، مردمش متوجه بودند و هستند. آمریکا امروز دور شده از اروپا، جایی که ساخته و خودش توش بوده. همین چند وقت پیش در وین بودند. آلمان، فرانسه، روسیه و ژاپن. این ها همه در وین بودند. بر خلاف حرفی که رئیس جمهور زده. اطمینان دارم که اینها

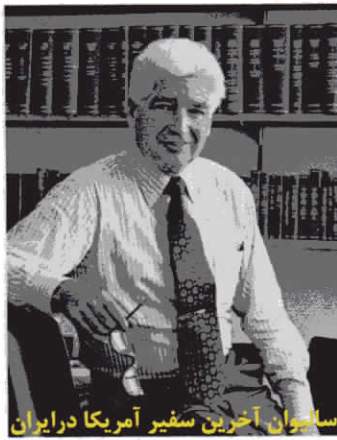
خانم فریدا صبا این مصاحبه را چند هفته پیش با جناب اردشیر زاهدی در مونتره سوئیس انجام داده است که متن آن را به زبان فارسی و انگلیسی در این شماره می خوانید. این گفتگو از تلویزیون ایران به مدیریت علی لیموندی و تلویزیون ایران فردا به مدیریت علیرضا نوری زاده نیز پخش شده است.

آزادی

اردشیر زاهدی یا His Excellency Ambassador Zahedi علیرغم داشتن مقام ها و عناوین مختلف رسمی، انسانی است بی تکلف، خوشبین و امیدوار که همچنان به فعالیت های خود ادامه می دهد و با پیگیری مسائل مربوط به ایران و جهان با امید به آینده روزگار میگذراند. اردشیر زاهدی در سوئیس چهره ای سرشناس و شخصیتی محبوب به شمار می آید. از نکات جالب این است که او همه ساله نیز در مراسم روز ملی سوئیس در رژه هایی که صورت می گیرد همراه با مردمان شهر مسکونی خود شرکت میکند و در کالسه ای مخصوص از خیابانهای شهر میگذرد و برای مردم و مردم برای او ابراز احساسات میکنند. گفتنی است که روز ملی سوئیس همراه است با جشن و موزیک و غذا و نوشابه های رایگان برای همه مردم و شرکت کننده های آن.

این مراسم با آتش بازی بر روی دریاچه لمون ادامه می یابد که بسیار دیدنی است.

فریدا صبا: بسیار خوشحالم آقای زاهدی که فرصتی دادید تا گفتگویی با شما داشته باشم. جناب زاهدی با در نظر گرفتن روابط و شرایط فعلی و تشنج در روابط



سالیوان آخرین سفیر آمریکا در ایران

اردشیر زاهدی: من به شما عرض کردم، چه وزیر دفاع و چه ارتش... مذاکرات از طریق سفارت بوده سالیوان هیچ موقع شرافتمندانه با ایران نبود در قلب خودش. گمراه بود. چون در دو جهت شکست خورد. یکیش در ویتنام بود و دیگری در فیلیپین. این سوابق را داشت که من گفتم سوابق خوبی



از چپ بر راست: پروفسور سکی، جناب اردشیر زاهدی، شاهزاده رضا پهلوی، پریزیدنت کارتر

نداشت و این در همه جا هست در همه جا. به طوری که در مدارک میبینید که کارتر میخواهد معزولش بکند. این هامدارکی است که موجود است در اختیار تان بعد از ۵۰ سال. نظر من این است که کارتر نسبت به ایران علاقمند بود ولی اوایل کارش زیاد وارد نبود، ولی بعد دیدیم که آمد نطق کرد که: ایران جزیره ثبات است. من خیلی به ایشان ارادت داشتم و دارم. **فریدا صبا:** سپاس گذارم از وقتی که به ما دادید. **اردشیر زاهدی:** بی اندازه ممنونم خیلی هم خوشحالم.

که این سفیر خوبی برای ما نخواهد بود. پادشاه در دستخطش نوشت ما که تو را داریم چرا ناراحتی؟ ایشان محبت و آقای و بزرگواری کردند. ولی سالیوان را من از اول میدیدم که گمراه است. من یک روز با او ملاقات کردم و نهار خوردم و معتقد بودم ما نباید او را بپذیریم. **فریدا صبا:** ولی در کابینه آقای کارتر تا دقایق آخر موافق این بودند که... **اردشیر زاهدی:** وضع اوایل به آن حد فجیع نبود. کم کم وخامت گرفت. ولی همه آنها شرافتا من میگویم سعی کردند به ما کمک کنند. آقای کارتر تلفنی حتی روحیه دادند به شاه. من این را معتقد هستم. ولی اگر کس دیگری عقیده دیگری دارد و مدرک دارد بیاورد نشان بدهد در هر چیزی عقیده ای که داشتیم را به پادشاه میگویم. اگر دروغ میگویم خیانت میشود. بر سر قضیه فورد و نیکسون بر سر

موضوع نفت. خوب حقمان بود و حرفمان را میگفتیم. رئیس جمهور و وزیر امور خارجه اش نشسته بود حرفمان را زدیم و نتیجه هم گرفتیم. **فریدا صبا:** در یک ملاقاتی که با پادشاه ایران داشتند، پادشاه سوال میکنند که چرا با کمپ خمینی تماس گرفته نشده... **اردشیر زاهدی:** چه کسی ملاقات داشته؟ **فریدا صبا:** آقای سالیوان. پادشاه از آقای سالیوان میپرسند که چرا شما با کمپ خمینی ارتباط برقرار نکردید. آیا میخواهید که این دولت سقوط بکند؟ منظورشان دولت بختیار بوده. نتیجه اینکه تا روزها و دقایق آخر کابینه آقای کارتر...

میکنم **فریدا صبا:** عده بسیاری از جمله خود شما، در مورد مشکلات ایران فکر میکنند که صلح نهایتا چاره کار است. عده زیادی در ایران مایلند که پرچم صلح را بالا ببرند. **اردشیر زاهدی:** صلح راهمه میخواهند هر کسی که صلح نخواهد دیوانه است. صلح و صفا مال ایرانی است. وقتی صلح داشته باشی لذت میبری. **فریدا صبا:** اجازه بدهید کمی به عقب برگردیم و من سوالاتی را در رابطه با جریان انقلاب ۱۹۷۹ مطرح بکنم. در ذهنیت عده ای از ایرانیان این جا افتاده که آقای جیمی کارتر، رئیس جمهور وقت آمریکا، مسبب سقوط رژیم شاهنشاهی شده است. **اردشیر زاهدی:** بفرمائید این عکس را نگاه کنید. پسر شاه را آوردم پهلوی آقای کارتر در کاخ سفید.

جواب شما را بدهم پریزیدنت کارتر علاقه مند بود. این آدم شرافتمند بود. خودش لهستانی بود. مردم گاهی اوقات کاسه داغتر از آش میشوند. روحیه شاه خراب بود چون بیمار بودند. اطرافیان به او دروغ میگفتند و نتیجه این شد. خود اعلیحضرت فرمودند بروید با خمینی صحبت کنید توسط سفیر ایران. بنابراین نه، جیمی کارتر سبب سقوط شاه نشد. **فریدا صبا:** با توجه به مدارک محرمانه ای که اخیرا منتشر شده، تا دقایق آخر آقای سالیوان و کارتر در صدد این بودند که روحیه به پادشاه ایران بدهند. **اردشیر زاهدی:** سالیوان راقبول ندارم. از اول هم به ایشان عرض کردم

را زندانی کنند مگر؟ من معتقد هستم که اگر با همسایه هایمان شرافتمندانه باشیم، ۹۰ درصدشان با هم دوست خواهند بود. **فریدا صبا:** با تجربه ای که دارید، به نظر شما این صلح بین ایران و همسایه هایش به ضرر چه کسی است در منطقه؟ **اردشیر زاهدی:** اسرائیل این را مزاحم میدانند که ایران بخواید طرفدار صلح باشد. اسرائیل میخواهد کشورش را گنده تر بکند و آمریکا هم پشتش ایستاده و این حرف ها را میزند. ولی با سوری ها برادر بودیم. در زمانی که با صدام جنگ داشتیم همین سوریه به ما کمک کرد. اگر او نبود نمیتوانستیم ببریم. این ها هست. در لبنان من درس خواندم. همه آنها را هنوز هم میبینم. من در میان اعراب اکثریتی نمیبینم که مخالف ایران باشند. این مذهب دکانی شده که اینها درست کردند. ملکه من علیا حضرت فوزیه سنی بود. از این حرف ها نبود. ما با همه کشورهای عربی روبوسی و ماچ و بوسه داشتیم. میرفتم کربلا و نجف و میرفتم خانه خدا. با همین وزیر خارجه آقای عمر اسحاق [برادر بودیم. با هم حرف میزدیم و کار میکردیم در خارج. با همه این ها باید شرافتمندانه برخورد کنیم. حالا شاید به عمر من قد ندهد ولی من معتقد هستم که به این شرافت میرسیم. **فریدا صبا:** با در نظر گرفتن شرایط فعلی فکر میکنید ایران به کدام سو میرود؟ **اردشیر زاهدی:** ایران داره میره به طرف روز. موفقیت، بلندی، لذت مردم، صلح و صفا. این ها همه شان مفت هستند. بالاخره یک روزی همین امریکابه ما احتیاج خواهد داشت. ما هم به آنها احتیاج داریم. دنیا به همدیگر چسبیده است. این دنیایی که امروز نزدیک به هفت میلیارد جمعیت دارد، به هم وصل شده است. اجبار داریم با هم زندگی کنیم. الان چینی ها نزدیکترین دوست ایران هستند. سیاستمداران هستند که حقه بازی میکنند. مردم، مردمان صلح جویی و صحیح و علاقمند هستند. من معتقد هستم. شاید هم دارم اشتباه